

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری

۰۳ جون ۲۰۲۵



محمد آصف فقیری

اسلام رادیکال در بستر بدویت = اسلام هراسی غیر انسانی

اسلام افراطی رویکرد نقل‌گریانه به منابع اسلامی دارد. که شهروندی را در برابر امت و ملت دولت را، در تضاد حکومت اسلامی تکفیر می‌کنند – نیروی تحرک و یا مرکز عملکرد اسلام رادیکال عبارت از جوامعی می‌باشد، که شهروندی و ملت سازی را، طی نکرده‌اند.

بدون شک افغانستان یکی از قربانیان اسلام سیاسی یا رادیکال است. که مندرج کردن (منطق، فلسفه و تفکر انتقادی) در مضامین مکاتب تا روش تحقیق دانشگاهی، دو بنیاد فکری و قدرت تحول می‌باشد، که در طی بیست سال جمهوریت به معنای واقعی فرصت آن مهیا گردیده بود. که در نتیجه مدرنیته در برابر بدویت در ۲۰۲۱ یک بار دیگر مغلوب گردید. در این تحلیل به مفهوم عقل در سیاست و دین می‌پردازیم، که غزالی عقل را، اساس دین و سیاست گفته است. در حالی که افراطیت به نیت سوء، به جای نفس اماره بالسو، عقل استدلالی را تکفیر می‌کنند. و تکفیر معتزله نیز، ریشه در عقل ستیزی نقل‌گرایان دارد.

• **چیستی عقل:** عقل نیروی تفکر و فرق گذاری میان حق و باطل گفته شده است. ماتریالیسم عقل را، فعالیت مغز باور دارند، که شامل حواس پنجگانه می‌شود.

۱. **عقل نظری (حقیقت):** جوهری بودن عقل در مبانی خلقت و مبداءگرائی ارسطو در غایت، به عقل کل منتهی پایان ناپذیر دارد، که این رویکرد جنبه عرفانی می‌گیرد. و در مکتوبات امام ربانی (ح) عقل نور است و عشق آتش یعنی جذبه عشق پرده های دوری را، به وصل مبدل می‌کند و نور عقل در کشف، که گاهی کشف عارف اجمالی است و گاهی تفصیلی، عرفا در عصر خودشان، حکیم و مفسر الزمان قرآنی اند.

۲. **عقل عملی (واقعیت یا فعلیت):** تفکر را، مترادف عقل عملی در فعلیت می توان گفت. که تعقل یا عقل نظری گوهر حقیقت یا متافزیک است. به باور برخی حکما و عرفا، فعلیت یا عقل عملی در نتیجه به عقل نظری منتهی می شود...

در نتیجه و عقلانیت در افغانستان:

سیر عقلانی سازی سیاست در کشور ما، به ذهنیت سازی بسترهای جامعه نیاز دارد، تا عینیت مدرن را، شاهد شویم. توسعه محصول وحدت این عینیت و ذهنیت است که، نگهداشت جامعه در بدویت، به گونه سازماندهی شده نیز، قابل دفاع است. نظم:

وحدت عین و ذهن!

مصلحت عین و ذهن را کجاست؟
تلفیق این دو، یک وجود ماست
چو کشف ممکن، تا کاوش مطلق
که آغاز بی انجامش، شوق لقاست
نور عقل و نار عشقش، ماهیت وجود
کز فنای وحدتش، کثرت کی جداست
رونق یکسانیم، یک تن و یک جوی او
قطره ام ز دریا، او درون گوهرهاست
در وجود موجود، هم حُب مقصود
صد رجوع و سجود، در خمی ابروی اوست
نه فقر بتو فقری، در غنایش مستوری
در هیچ مپیچ، کز فنا بقاء دوست

«فقری»